

باشد می‌تواند از کارشناس مطالبه ضرر نماید، ضرر و زیان ناشی از عدم‌النتفع قابل مطالبه نیست.

با وصف مراتب مذکور معلوم می‌شود که قانونگذار خسارت عدم‌النتفع را که جنبه منفی و عدمی دارد مشمول قاعده «لاضرر» ندانسته و ضمان آور نمی‌داند.



«چند نکته عملی پیرامون اعتبار امر مختوم در امور مدنی»

موضوع بند (۶) ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی

سیدمحمدرضا حسینی

برابر بند (۶) ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، «چنانچه دعوی طرح شده سابقاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا قائم مقام آنان هستند، رسیدگی شده و نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد، دادگاه مجدداً وارد رسیدگی ماهوی نخواهد شد و بر اساس قاعده اعتبار امر مختوم می‌باید اقدام به صدور قرار رد دعوی نماید.

در این چند سطر البته ما به مباحث نظری جعل قاعده مذکور از جمله فلسفه، پیشینه، روند تحولات، مضار و منافع این قاعده نخواهیم پرداخت بلکه به جهت آگاهی بیشتر به نکات مهمی در خصوص قاعده مزبور اشاره می‌کنیم که در برخورد عملی با این مسأله برای دادگاه راهگشا باشد.

۱- نکته اول این که آیا اعتبار امر مختوم قابل تسری به قرارهای دادگاه نیز می‌باشد

یاخیر؟

در این خصوص صرف نظر از اختلاف نظرهایی که در این مورد وجود دارد و سبب آن

تفاسیری است که از کلمه «حکم» مندرج در بند (۶) ماده ۸۴ به عمل آمده است بدین توضیح که عده‌ای این کلمه را اعم از «حکم و قرار می‌دانند» و عده‌ای نظر به فلسفه جعل اعتبار امر مختومه و همچنین مفاد ماده ۲۹۹ آیین دادرسی مدنی آن را فقط مشمول حکم دادگاه می‌دانند، ماحصل دکترین حقوقی این است که «اصل، عدم اعتبار امر مختوم در مورد قرارهاست» و تسری آن به قرارها امری است استثنایی و باید مناط قاعده اعتبار امر مختوم را در یک یک موارد آزمود. به عنوان مثال برابر رأی تمیزی شماره $\frac{۹۶۰}{۱۳۲۷/۶/۷}$ دیوان عالی کشور، قرار اصالت سند مانند احکام، مشمول اعتبار امر مختوم می‌باشد و همچنین طبق نظریه شماره $\frac{۷/۵۷۷۶}{۱۳۶۲/۱۱/۲۰}$ اداره حقوقی دادگستری، قرار سقوط دعوا در حکم، رأی به بی‌حقی است و چنانچه قطعیت یافته باشد، اعتبار امر مختوم را خواهد یافت.

۲- چنانچه دادگاهی بدون رعایت قواعد مربوط به صلاحیت اقدام به صدور رأیی نموده باشد آیا این رأی از اعتبار امر مختوم برخوردار است یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا این ادعا که حکم قبلی از مرجع غیر صالح صادر گردیده می‌تواند دادگاه را مکلف نماید که به دعوا مجدداً رسیدگی نماید؟

در اینجا نیز نظرها متفاوت است و از مجموع بحثهایی که در این مورد صورت گرفته است می‌توان چنین نتیجه گرفت که چنانچه مرجع صدور رأی خارج از صلاحیت نسبی خویش اقدام به صدور رأی نموده باشد، رأی صادره مشمول اعتبار امر مختومه خواهد شد و چنانچه خارج از صلاحیت ذاتی خود به پرونده‌ای رسیدگی کرده باشد رأی صادره، مشمول اعتبار امر مختومه نخواهد بود. و البته از مفاد رأی وحدت رویه شماره $\frac{۳۷۴۶}{۱۳۳۸/۵/۳}$ هیأت عمومی دیوان عالی کشور می‌توان فهمید که چنانچه ایراد اعتبار امر مختوم در دعوایی بشود دادگاه قاعدهً باید بررسی نماید که آیا مستند ایراد مذکور از مرجع صالح صادر شده است یا خیر.

۳- آیا نقص تشریفات آیین دادرسی مانع شمول اعتبار امر مختوم خواهد شد؟

به نظر می‌رسد با عنایت به بند (۳) ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی، رأی قطعی ولو بعضی از تشریفات دادرسی در آن رعایت نشده باشد، مشمول اعتبار امر مختوم خواهد بود.

۴- آیا اعتبار امر مختومه شامل امور حسبی نیز می‌شود یا خیر؟ در پاسخ گفته شده است، نظر به این که در امور حسبی مرافعه و دعوا وجود ندارد و دادگاه فصل خصومت نمی‌کند این قاعده شامل امور حسبی نمی‌شود. منطوق ماده ۴۰ و مفهوم ماده ۴۱ قانون امور حسبی و همچنین مفاد نظریه شماره $\frac{۷/۱۳۴۶۴}{۱۳۶۲/۸/۹}$ اداره حقوقی دادگستری در خصوص جواز تجدید رسیدگی به درخواست انحصار وراثت بر این معنی صحه می‌گذارد.

۵- آیا گزارش اصلاحی مشمول ایراد اعتبار امر مختوم خواهد شد؟

در این خصوص نیز اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای عقیده دارند نظر به این که مفاد گزارش اصلاحی در واقع عقد صلح حقوق مدنی است که تشریفات دادگاه به آن پیوسته می‌شود بنابراین مشمول اعتبار امر مختوم نخواهد شد و هر یک از طرفین قرارداد می‌توانند به استناد یکی از خيارات و یا به استناد عدم نفوذ و اکراه از دادگاه صالح تقاضای فسخ یا ابطال آن را بنمایند. [لنگرودی، دکتر جعفر - دانشنامه حقوقی - ج ۵ ص ۱۹۶]

اما بعضی عقیده دارند با عنایت به این که گزارش اصلاحی از حیث آثار مانند حکم است و موجب فصل دعاوی می‌شود و با سایر قرارها تفاوت بین دارد، بنابراین قرار سقوط دعوا که بر این اساس صادر شود دارای اعتبار امر مختوم می‌باشد. [شمس، دکتر عبدالله - آیین دادرسی مدنی - ج ۱ - ص ۴۷۸]

رویه قضایی نظر اخیر الذکر را تقویت می‌نماید چنان که برابر رأی تمیزی شماره $\frac{۸۸۴}{۱۳۱۰/۷/۸}$ دیوان عالی تمیز: «دعوائی که به صلح خاتمه یافته است و منتهی به صدور حکم شده باشد، اگر مجدداً اقامه شود محکمه بدون این که وارد ماهیت دعوا

شود، قرار رد دعوا را خواهد داد.» و همچنین برابر مفاد رأی اصراری شماره $\frac{۶۵۴۶}{۱۳۳۸/۱۲/۱۱}$ هیأت عمومی شعب حقوقی دیوان عالی کشور در تأیید رأی شعبه پنجم دادگاه استان، گزارش اصلاحی را مشمول بند (۶) ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی دانسته و در نتیجه گزارش اصلاحی قابل رسیدگی مجدد نمی‌باشد.

۶- مسأله اعتبار امر مختوم در مورد رأی داور، بدین توضیح که آیا اساساً رأی داور مشمول اعتبار امر مختوم خواهد شد یا خیر. به نظر می‌رسد با عنایت به فلسفه جعل داوری در قانون، رأیی را که داور با مدنظر قرار دادن اصول داوری از جمله موجه و مدلل بودن و عدم مخالفت با قوانین موجد حق صادر کرده باشد از اعتبار امر مختومه برخوردار خواهد بود مگر این که طرفین دعوا برابر مفاد ماده ۴۸۶ آیین دادرسی مدنی و بند یک ماده ۴۸۱ همان قانون رأی داور را به اتفاق و به طور کلی مردود و بلااثر بدانند که با این وصف طرح مجدد اختلاف در مرجع ذیصلاح بلاشکال خواهد بود.

نکته‌ای که ذکر آن در اینجا لازم است مسأله رسیدگی به بطلان رأی داور موضوع مواد ۴۸۹ و ۴۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی است که این قضیه اساساً از بحث اعتبار امر مختومه خارج است.

۷- چنانچه یکی از مراجع قضایی وابسته به دادگستری برای مثال اداره ثبت، در دعوی افراز و یا یکی از مراجع اداری استثنایی همانند کمیسیون مالیاتی یا کمیسیون ماده صد شهرداری نسبت به موضوعی رسیدگی و حکم قطعی صادر کند آیا رسیدگی مجدد به همان موضوع در مراجع یاد شده امکان‌پذیر است؟

در پاسخ به این سؤال گفته شده است: «حدود و وسعت صلاحیت دادگاه از نظر اصول در اعتبار حکم تأثیر ندارد. بنابراین همان گونه که آرای دادگاههای عمومی از اعتبار امر قضاوت شده بهره‌مند است آرای مراجع استثنایی و خارج از دادگستری نیز از این امتیاز استفاده می‌کند. برای مثال، تصمیمی که هیأت حل اختلاف شهرداری یا مالیاتی، در باب استحقاق دولت می‌گیرد قاطع است و هیچ دادگاهی نمی‌تواند به آن

دعاوی دوباره رسیدگی کند. [کاتوزیان، دکتر ناصر - اعتبار امر قضاوت شده - ص ۱۱] رویه قضایی نیز چنین استدلالی را پذیرفته است چنان که رأی اصراری شماره $\frac{۳۴۷۵}{۱۳۳۸/۷/۵}$ هیأت عمومی شعب حقوقی دیوان عالی کشور بر این امر تصریح دارد.

۸- آیا قاعده اعتبار امر مختومه نسبت به اشخاص ثالث قابل تسری است؟

دکترین حقوقی به این سؤال پاسخ مثبت داده است با این استدلال که هر چند رأی نمی‌تواند حق یا تکلیفی به نفع یا ضرر آنهایی که اصحاب دعوا نبوده‌اند ایجاد نماید، اما در عین حال، اشخاص ثالث نمی‌توانند وضعیت حقوقی بی‌راکه در اثر رأی به وجود آمده است انکار نمایند و باید آن را مورد شناسایی و احترام قرار دهند و لذا رأی قابل استناد علیه همه افراد است. توجه به ماده ۴۴ قانون اجرای احکام مدنی که حکم را علی‌الاصول، حتی اگر محکوم به در ید ثالث باشد قابل اجرا می‌داند و بند (ب) ماده ۴۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی که حکم را علیه ثالث، به عنوان دلیل، قابل استناد می‌داند و تنها راه فرار ثالث را از آن، علی‌الاصول اعتراض ثالث می‌داند، به روشنی قابل استناد بودن حکم علیه ثالث را اثبات می‌نماید. [شمس، دکتر عبدالله - آیین دادرسی مدنی - ج ۱ - ص ۴۸۲ و لنگرودی، دکتر جعفر - دانشنامه حقوقی - ج ۳ - ص ۲۱۲ - ش ۷۳].

۹- جایگاه اعتبار امر مختوم در رابطه با احکام دادگاههای خارجی:

تسری قاعده اعتبار امر مختوم نسبت به احکام دادگاههای خارجی مشخصاً از قسمت اول ماده ۹۷۱ قانون مدنی که می‌گوید: «دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود...» استنتاج گشته و با این وصف اگر چه مطابق قسمت دوم ماده یاد شده مطرح بودن یک دعوا در محکمه خارجی رافع مسؤلیت محکمه ایرانی نیست لکن مختومه شدن دعوایی در دادگاه خارجی، اجازه‌ای برای صلاحیت مجدد رسیدگی به همان دعوا را در دادگاههای ایران نمی‌دهد. مگر آن رأی برخلاف قانون موجد حق در ایران باشد.

۱۰- مستثنیات قاعده اعتبار امر مختوم.

الف - حکم اعسار: با توجه به این که موضوع اعسار و تمکن امری است قابل تجدد و حدوث که بر فرض ثبوت هر یک در زمانی، قابل تغییر و تبدل در زمان دیگری است بنابراین اساساً قاعده اعتبار امر مختوم و ممنوعیت تجدید دعوا در دعوی اعسار جاری نخواهد بود. لذا به همین دلیل ماده ۵۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی می‌گوید: «معافیت از هزینه دادرسی برای هر دعوا باید به طور جداگانه تحصیل شود...» و البته آرای تمیزی شماره $\frac{۱۱۱۶}{۱۳۲۶/۷/۱}$ شعبه چهارم $\frac{۱۵۰۵}{۱۳۲۵/۹/۳}$ شعبه ششم دیوان عالی کشور بر این امر تأکید دارند.

ب - حکم رد تقاضای اعاده اعتبار: طبق ماده ۵۷۳ قانون تجارت، هرگاه تاجر ورشکسته برای اعاده اعتبار، دادخواست بدهد و محکوم شود، شش ماه بعد از صدور حکم محکومیت خود مجدداً می‌تواند دادخواست اعاده اعتبار خود را برای رسیدگی تقدیم دادگاه کند و «البته فلسفه جعل ماده مذکور به این علت است که حصول اعتبار، امر تدریجی الحصول است و محکومیت مدعی اعتبار در زمان صدور حکم محکومیت قابل تسری به همه از منته بعدی نیست [لنگرودی، دکتر جعفر - دانشنامه حقوقی - ج ۳ ص ۱۹۶].»

ج - جنون: جنون نیز از امور حادث است و کسی را که قبلاً دعوی جنون علیه وی طرح و حکم به اهلیت وی داده شده است با تقدیم دلایل جدیدی مجدداً می‌توان طرف دعوا قرارداد و یا شخصی را که قبلاً حکم حجر وی از این بابت صادر شده است با تقدیم دلایل یا اثبات وضعیت جدیدی می‌توان درخواست صدور حکم افاقه وی را از دادگاه خواستار شد. بر همین مبنا است که ماده ۷۲ قانون امور حسبی می‌گوید: «حکم حجر یا رفع حجر مانع نیست اگر اهلیت یکی از متعاقدین در دادگاهی قبل از صدور حکم حجر و یا بعد از رفع حجر ثابت شود، دادگاه به آنچه نزد او ثابت شده ترتیب اثر دهد.»

د- تجدید دعوی تخلیه عین مستأجره به علت نیاز شخصی: چون طبع و ماهیت دعوی تخلیه عین مستأجره به علت نیاز شخصی طوری است که به اعتبار نیاز می‌تواند استمرار داشته باشد و چون ممکن است ادعای احتیاج در یک زمان ثابت نشود و همان ادعا در زمان دیگر اثبات گردد، به نظر می‌رسد تجدید این دعوا مشمول امر مختوم نخواهد شد.

ه- درخواست تعدیل اجاره‌بها: طبق ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶: «موجر یا مستأجر می‌تواند به استناد ترقی یا تنزل هزینه زندگی درخواست تجدیدنظر نسبت به میزان اجاره‌بها را بنماید، مشروط بر این که مدت اجاره منقضی شده و از تاریخ استفاده مستأجر یا از تاریخ مقرر در حکم قطعی که بر تعیین یا تعدیل اجاره‌بها صادر شده سه سال تمام گذشته باشد، دادگاه با جلب نظر کارشناس اجاره‌بها را به نرخ عادلانه روز تعدیل خواهد کرد. حکم دادگاه در این مورد قطعی است». با این وصف طرح دعوی تعدیل اجاره‌بها با رعایت شرایط مندرج در این ماده از اعتبار امر مختوم برخوردار نخواهد بود.

و- وفق ماده ۲۸ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶: «در مواردی که حکم تخلیه عین مستأجره با پرداخت حق کسب یا پیشه و یا تجارت صادر و قطعی می‌شود موجر مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی وجه معینه را در صندوق دادگستری تودیع یا ترتیب پرداخت آن را به مستأجر بدهد و الا حکم مزبور ملغی‌الاثرا خواهد بود... در سایر موارد نیز هرگاه موجر ظرف یک سال از تاریخ ابلاغ حکم قطعی تقاضای صدور اجرائیه ننماید، حکم صادره ملغی‌الاثراست...»

لغو اثر احکام مورد اشاره در ماده مذکور مانع از طرح مجدد دعوی تخلیه نخواهد بود و تجدید دعوا از شمول قاعده اعتبار امر مختوم خارج است.